

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین «سعیدی- سعید افغانی»

۰۸ جون ۲۰۱۶

تفسیر احمد- ۱۰

ترجمه و تفسیر سوره الاعلیٰ- ۲

حکم ایمان داشتن به کتب آسمانی :

قبل از همه باید گفت شخصی که به سایر کتاب های آسمانی دیگر (تورات و انجیل و زبور و صحف ابراهیم و موسی) ایمان نیاورد، ایمان او مقبول نیست و به عنوان مسلمان محسوب نمی شود.

دلیل واجب بودن ایمان به کتب آسمانی :

دلیل واجب بودن ایمان به سایر کتاب آسمانی حکم و امر پروردگار با عظمت است که می فرماید : «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا» (سوره نساء ۱۳۶). یعنی: «ای کسانی که ایمان آورده اید به کتابی که بر پیامبرش نازل کرده و بر کتابی که از قبل نازل نموده است ایمان بیاورید و هرکس به الله، ملائکه، کتابها، پیامبران و روز آخرت کافر شود در گمراهی بسیار دوری افتاده است».

الله تعالی بندگان مؤمنش را در این آیت امر می کند که به الله و پیامبرش، محمد صلی الله علیه وسلم و کتابی که بر او نازل نموده که قرآن می باشد و کتابی که از پیش نازل نموده که شامل تمام کتابهای پیشینیان مانند تورات، انجیل و زبور می باشد، ایمان بیاورند. سپس در آخر آیت بیان می کند که هرکس به چیزی از ارکان ایمان کافر شود در گمراهی بسیار دوری افتاده و از مسیر درست خارج گشته است.

و باز در بیان ایمان به تمام کتابها الله تعالی به بندگان مؤمنش امر می کند که اهل کتاب را با این سخن مورد خطاب قرار دهند: «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (سوره بقره ۱۳۶). یعنی: «بگوئید به خدا و آنچه که بر ما فرو فرستاده شده و آنچه که به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نواسه های یعقوب فرو فرستاده شده و آنچه که به موسی و عیسی داده شده و (نیز) آنچه که به (دیگر) پیامبران از سوی پروردگارشان نازل شده است، ایمان آورده ایم و در ایمان آوردن به پیامبران بین هیچ کدام از آنان تفاوتی نمی گذاریم. و فرمانبردار او (خداوند) هستیم».

آیت در برگزیده ایمان مؤمنان به آنچه خداوند بر آنها به واسطه رسولش صلی الله علیه وسلم نازل نموده و آنچه بر پیامبران که در آیت ذکر شده و آنچه بر بقیه انبیاء نازل شده است، می باشد و آنها در ایمان به پیامبران بین هیچ کدام فرقی نمی گذارند و به تمام پیامبران و تمام کتابهایی که خداوند به ترتیب نازل نموده است، باور دارند. بناءً طبق آیات صریح قرآن، هرکس به کتابهای آسمانی قبل از قرآن ایمان نداشته باشد او کافر است، زیرا ایمان نیاوردن به آن کتابهای آسمانی دیگر به معنای تکذیب آیات خداوند بر دیگر پیامبران است در حالی که همه پیامبران الهی به حق از سوی الله تعالی برای ارشاد انسانها فرستاده شده اند و بعضی از آنها دارای کتاب آسمانی بودند.

نکات ضروری ودانستنی :

اولاً : شخصی مسلمان قبل از همه باید بداند که همه کتابهای آسمانی به جز قرآن کریم مورد تحریف و تغییر قرار گرفته است. زیرا خداوند عزوجل در قرآن کریم از تحریف، تغییر و تبدیل توسط اهل کتاب بر کتابهای الله تعالی که بر آنها نازل شده خبر می دهد.

الله تعالی در حق یهود می فرماید: «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (بقره ۷۵) یعنی: «آیا امید دارید که به شما ایمان بیاورند در حالی که دسته ای از آنها کلام خدا را می شنوند سپس بعد از این که آن را می فهمند و در حالی که می دانستند آن را تحریف می نمودند» و می فرماید: «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» (سوره نساء ۶۴) «و کسانی از اهل یهود کلام را از جایگاه خود تحریف می کنند».

و الله تعالی از نصاری خبر می دهد می فرماید: « وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا دُكِّرُوا بِهِ فَأَعْرَبْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ* يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ» (سوره مائده ۱۴-۱۵).

یعنی: «و کسانی که گفتند ما نصاری هستیم پیمان گرفتیم و بخشی از آنچه به آن اندرز داده شده بودند فراموش کردند و ما تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم و به زودی خدا آنان را از آنچه می کردند باخبر می سازد. ای اهل کتاب پیامبر ما به سوی شما آمده است که بسیاری از کتاب که پوشیده می داشتید برای شما بیان می کند و از بسیاری درمی گذرد.»

آیات دلالت دارند بر این که یهود و نصاری کتابهای نازل شده بر خودشان را تحریف نموده اند و این تحریف گاهی با زیاد کردن و گاهی با کم کردن بوده است.

و دلیل بر زیاد کردن بر کتابها این سخن الله تعالی می باشد: « فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَ شَيْءٌ بِهِ تَمَنَّا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (سوره بقره ۷۹).

«ویل به حال کسانی که کتاب را با دستانشان نوشتند سپس می گویند این از جانب خداست تا با بهائی بی ارزش بفروشند پس ویل به حال آنها از آنچه با دستهایشان نوشتند و ویل به حال کسانی که آن را به دست آوردند».

و دلیل بر نقصان آن، این فرموده الله تعالی است: « يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ » (مائده ۱۵). «ای اهل کتاب پیامبر ما به سوی شما آمده است که بسیاری از کتاب که پوشیده می داشتید برای شما بیان می کند» و می فرماید: «قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ يُثْبُوتُهَا وَتُحْفُونَ كَثِيرًا» (سوره انعام ۹) «بگو چه کسی آن کتابی را که موسی آورده نازل کرده که برای مردم روشنائی و هدایت است آن را به صورت ورقه هائی در می آورید از آن آشکار و بسیاری را پنهان می کنید».

اما قرآن عظیم از آنچه بر کتابهای گذشته از تحریف و تبدیل روی داده، سالم مانده است و خداوند آن را حفظ نموده و از آن صیانت می نماید همانگونه که خود از آن خبر می دهد: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (سوره حجر ۹). «بی گمان ما قرآن را فرو فرستاده‌ایم و به راستی ما نگهبان آن هستیم».

ثانیاً: باید چگونگی ایمان به کتابهای قبل از قرآن را بدانند، و آن بدینگونه است که:

۱- تصدیق قاطع به این که تمام آنها از جانب الله عزوجل نازل شده و کلام الله تعالی می باشند و الله تعالی به حقیقت آنگونه که لایق به خود اوست و بر وجهی که اراده کرده، به آن تکلم نموده است. الله تعالی می فرماید: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ * نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ * مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ» (آل عمران ۲-۴).

یعنی: «الله است که هیچ معبود به حق جز او نیست همیشه زنده و پابرجا است. این کتاب را در حالی که مؤید آنچه پیش از خود می باشد به حق بر تو نازل کرد و تورات و انجیل را پیش از آن برای هدایت مردم فرستاد و فرقان را نازل کرد کسانی که به آیات خداوند کفر ورزیدند بی تردید عذابی سخت خواهند داشت و خداوند شکست ناپذیر و صاحب انتقام است». الله عزوجل خبر می دهد که این کتابها: تورات، انجیل و قرآن از نزد او هستند و این دلالت دارد بر این که به آنها تکلم نموده و آنها از او آغاز شده اند و مربوط به غیر او نیستند و برای همین در آخر آیت و عده می دهد که هرکس به آیات خداوند کفر ورزد دچار عذاب شدیدی خواهد شد.

۲- ایمان به این که کتابهای الله تعالی تصدیق کننده همدیگرند و بین آنها تناقض و تعارضی نیست همانگونه که الله تعالی در قرآن می فرماید: «وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ» (سوره مائده ۴۸). «و (این) کتاب را به راستی تصدیق کننده کتابی که پیش از آن است و بر آن حاکم و شاهد است بر تو نازل کردیم» و در مورد انجیل می فرماید: «وَأَتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ» (سوره مائده ۴۶). «و ما انجیل را که در آن هدایت و نور است و تصدیق کننده تورات است فرو فرستادیم». ایمان به اینها واجب است و این که کتابهای خداوند از تمام تناقضات و تعارضات به دور هستند و این از بزرگترین ویژگی کتابهای خداوند نسبت به کتابهای مخلوقات و کلام خدا نسبت به کلام خلق می باشد. زیرا در کتابهای مردم نقص، خلل و تعارض وجود دارد. همانگونه که خداوند در وصف قرآن می فرماید: «وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (سوره نساء ۸۲). «اگر آن از جانب غیر خداوند بود در آن اختلاف بسیاری را می یافتند».

۳- اعتقاد راسخ به این که تمام کتابها و صحفی که خداوند بر رسولان نازل کرده به وسیله قرآن کریم نسخ شده اند و برای هیچ کس از جن یا انس و پیروان کتابهای سابق و نه غیر آنها روا نیست که بعد از آمدن قرآن، خداوند را جز با آن عبادت کنند یا این که به غیر آن حکم نمایند و دلیل بر این مورد در کتاب و سنت فراوان است.

الله تعالی می فرماید: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (سوره فرقان ۱). «با برکت است کسی که فرقان را بر بنده اش نازل فرمود تا برای تمام دنیا ترساننده باشد» و می فرماید: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ * يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (سوره مائده ۱۵-۱۶). «ای اهل کتاب پیامبر ما به سوی شما آمده است که بسیاری از کتاب که پوشیده می داشتید برای شما بیان می کند و از بسیاری درمی گذرد. قطعاً برای شما از جانب خداوند روشنائی و کتابی روشنگر آمده است. خداوند هر که از خشنودی او پیروی کند به وسیله آن به راههای سلامت رهنمون می شود و به توفیق خویش آنان را از تاریکیها به سوی روشنائی بیرون می برد و به راهی راست هدایتشان می کند». خداوند به پیامبرش امر می کند که بین اهل کتاب به قرآن حکم نماید: «فَاحْكُم بَيْنَهُمْ

بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ» (سوره مائده ۴۸). «بین آنها به آنچه خداوند نازل نموده حکم نما و از هوا و آرزوی آنها بعد از آن که حق آمد تبعیت نکن» و همچنین می فرماید: «وَأَنْ أَحْكُمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرُهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ» (سوره مائده ۴۹). «و میان آنها به آنچه خداوند نازل نموده فیصله و قضاوت کن و از هواهایشان پیروی مکن و از آنان برحذر باش مبادا تو را در بخشی از آنچه خداوند بر تو نازل کرده به فتنه در اندازد».

و از سنت حدیث جابر بن عبداللہ است که عمر بن خطاب با کتابی که از اهل کتاب بود پیش پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و آن را بر پیامبر اسلام خواند پیامبر صلی الله علیه وسلم عصبانی شد و فرمود: «أُمَّتَهُوْكَوْنَ فِيهَا يَا ابْنَ الْخَطَّابِ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ جِئْتُكُمْ بِهَا بَيضَاءَ نَفِيَّةٍ لَا تَسْأَلُوهُمْ عَنْ شَيْءٍ فَيُخْبِرُوكُمْ بِحَقِّ فُكْدُبُوا بِهِ أَوْ يَبْاطِلُ فُتْصَدُّوا بِهِ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ مُوسَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ حَيًّا مَا وَسِعَهُ إِلَّا أَنْ يَنْبَغِي» (مسند الإمام أحمد : ۳ / ۳۸۷ ، و کشف الأستار : ۱۳۴ ، و شعب الإيمان للبيهقي : (۱۷۷) . و غیر هم و هو حدیث حسن به مجموع طرقه)

یعنی: «ای پسر خطاب آیا در آن در تعجب هستی؟! قسم به کسی که نفس من به دست اوست برای شما آن روشن کننده پاک را آوردم. شما چیزی از آنها نمی پرسید پس به حق به شما خبر می دهند پس به وسیله آن آنها را تکذیب می کنید یا به باطل خبر می دهند شما به وسیله آن آنها را تصدیق می کنید قسم به کسی که نفس من به دست اوست اگر موسی زنده بود چاره ای جز پیروی از من نداشت». این بحث مختصری از کتابهای الله تعالی می باشد که واجب است به آن و آنچه در قرآن بر وجه خصوص آمده معتقد باشیم.

سوم: و نکته مهمتر از همه آنست که:

هر مسلمانی در برخورد با آیات تورات و انجیل و دیگر کتابها ممکن است با سه حالت روبه رو شود:

۱- آن آیتی که می شنود یا می بیند مخالف با قرآن است.

(در اینحالت بر او واجب است که آن آیت را تکذیب کند، زیرا آن تحریف شده است و ما مسلمانان مأمور به ایمان به آیات تحریف شده نیستیم، زیرا آن آیات تحریف شده از جانب خداوند متعال نازل نشده اند بلکه توسط انسانها تغیر و تبدیل یافته اند و لذا تکذیب آنها واجب است)

۲- آن آیتی که می بیند یا می شنود همسو و در تأیید آیات قرآن است.

(در اینحالت باید به آن آیت ایمان بیاورد و نزول آن را از جانب خداوند تصدیق نماید)

۳- نمی داند آن آیتی که می شنود یا می بیند در تأیید قرآن است یا مخالف با آن.

(در اینحالت او نه آن را تصدیق کند و نه تکذیب نماید).

حکم احترام به کتاب های آسمانی:

ایمان به کتابهای الله تعالی مشتمل بر تعدادی جوانب است که نصوص بر واجب بودن، و معتقد بودن و بیان آن دلالت دارد تا این رکن بزرگ از ارکان ایمان تحقق یابد و آن عبارتند از :

۱- تصدیق قاطع به این که تمام آنها از جانب الله عزوجل نازل شده و کلام الله تعالی می باشند و الله تعالی به حقیقت آنگونه که لایق به خود اوست و بر وجهی که اراده کرده، به آن تکلم نموده است.

۲- ایمان به این که تمام آنها به سوی عبادت کردن الله تعالی به تنهایی و آنچه خیر، هدایت، نور و روشنائی آمده است، دعوت می کنند.

۳- ایمان به این که کتابهای الله تعالی تصدیق کننده همدیگراند و بین آنها تناقض و تعارضی نیست.

۴- اعتقاد راسخ به این که تمام کتابها و صحفی که خداوند بر رسولان نازل کرده به وسیله قرآن کریم نسخ شده اند و برای هیچ کس از جن یا انس و پیروان کتابهای سابق و نه غیر آنها روا نیست که بعد از آمدن قرآن، خداوند را جز با آن عبادت کنند یا این که به غیر آن حکم نمایند. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ مُوسَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ حَيًّا مَا وَسِعَهُ إِلَّا أَنْ يَتَّبِعَنِي» مسند أحمد (۳ / ۳۸۷)، وشعب الإيمان بیهقی (۱۷۷). یعنی: «قسم به کسی که نفس من به دست اوست اگر موسی زنده بود چاره ای جز پیروی از من نداشت».

پس تنها آنچه در قرآن کریم آمده تعبدی و عمل کردن به آن الزامی است و اما آنچه در کتب آسمانی گذشته آمده اگر مخالف با شریعت ما باشد خود به خود متروک است نه به دلیل این که باطل بوده، ممکن است در زمان خودش حق بوده باشد، لیکن ما مکلف به آن نیستیم، زیرا که با شریعت ما منسوخ شده است، و اگر موافق شریعت ما باشد مسلماً حقی است که شریعت اسلام بر درستی آن دلالت کرده است.

۵- اعتقاد به این که کتابهای پیشین مورد تحریف قرار گرفته اند، چراکه خداوند عزوجل در قرآن کریم از تحریف، تغییر و تبدیل توسط اهل کتاب بر کتابهای الله تعالی که بر آنها نازل شده خبر می دهد. الله تعالی در حق یهود می فرماید: «أَقْتَطَمُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (سوره بقره ۷۵). یعنی: «آیا امید دارید که به شما ایمان بیاورند در حالی که دسته ای از آنها کلام خدا را می شنوند سپس بعد از این که آن را می فهمند و در حالی که می دانستند آن را تحریف می نمودند».

و می فرماید: «مَنْ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» (سوره نساء ۶۴). یعنی: «و کسانی از اهل یهود کلام را از جایگاه خود تحریف می کنند».

و الله تعالی از نصاری خبر می دهد می فرماید: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ» (سوره مائده ۱۵).

یعنی: «ای اهل کتاب؛ پیامبر ما به سوی شما آمده است که بسیاری از کتاب که پوشیده می داشتید برای شما بیان می کند و از بسیاری درمی گذرد».

و فرمود: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ تَمَنَّا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (سوره بقره ۷۹).

یعنی: «وویل به حال کسانی که کتاب را با دستانشان نوشتند سپس می گویند این از جانب خداست تا با بهائی بی ارزش بفروشند پس ویل به حال آنها از آنچه با دستهایشان نوشتند و ویل به حال کسانی که آن را به دست آوردند».

آیات دلالت دارند بر این که یهود و نصاری کتابهای نازل شده بر خودشان را تحریف نموده اند. و این تحریف گاهی با زیاد کردن و گاهی با کم کردن بوده است.

اما قرآن عظیم الشان از آنچه بر کتابهای گذشته از تحریف و تبدیل روی داده، سالم مانده است و خداوند آن را حفظ نموده و از آن صیانت می نماید همانگونه که خود از آن خبر می دهد: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (سوره حجر ۹). یعنی: «بی گمان ما قرآن را فرو فرستاده ایم و به راستی ما نگهبان آن هستیم».

ابو عمرو دانی از ابی حسن منتاب روایت می کند که گفت: «روزی نزد قاضی ابو اسحاق اسماعیل بن اسحاق بودم. به او گفته شد: چرا اجازه تبدیل در حق اهل تورات داده شده اما به اهل قرآن داده نشده است؟ قاضی گفت: خداوند در مورد اهل تورات می فرماید: «بِمَا اسْتَحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ» (سوره مائده ۴۴). «به آنچه از کتاب خدا حافظ گردانده شده اند» پس حفظ آن به آنها سپرده شد پس اجازه تبدیل در آن داده شده است. و در قرآن می فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (سوره حجر ۹). «بی گمان ما قرآن را فرو فرستاده ایم و به راستی ما نگهبان آن هستیم» پس اجازه تبدیل در

آن داده نشده است. گفت: پس به سوی ابو عبدالله محاملی رفتم و داستان را برایش تعریف نمودم. گفت: کلامی زیباتر از این نشنیدم».

قرآن متضمن خلاصه ای از کتابهای سابق و اصول شریعت پیامبران است. الله تعالی می فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ» (سوره مائده ۴۸). یعنی: «و (این) کتاب را به راستی (و) تصدیق کننده کتابی که پیش از آن است و بر آن حاکم و شاهد است به تو نازل کردیم»

سؤال: ممکن است کسی بگوید: بر طبق نصوص قرآن و احادیث بر هر مسلمانی واجب است تمامی کتابهای آسمانی را تصدیق کرده و ایمان آورد، ولی نصوص دیگری دلالت بر تحریف این کتب می کنند، با این وضعیت یک مسلمان چگونه به این کتابهای تحریف شده ایمان آورد؟

جواب: یقین و باور داریم که آنچه در کتب گذشته خداوند متعال به پیامبرانش علیهم السلام نازل فرموده، که سالم از تبدیل و تحریف بودند - حق است و هیچ شک و شبهه ای در آن نیست. ولی معنایش این نیست که تمام آنچه اکنون در این کتابها درج است و در اختیار اهل کتاب قرار دارد بپذیریم، زیرا این کتابها تحریف شده و به آن حالت اصلی که خداوند متعال به پیامبرانش علیهم السلام نازل فرموده باقی نمانده است.

توراتی که ایمان آوردن به آن واجب است همان کتابی است که خداوند بر موسی علیه السلام نازل فرموده و نه تورات تحریف شده ای که امروز در اختیار اهل کتاب قرار دارد و انجیلی که ایمان آوردن به آن واجب است همان کتابی است که خداوند آن را بر عیسی علیه السلام نازل فرموده و نه انجیل های تحریف شده ای که امروزه در نزد اهل کتاب قرار دارد. و زبوری که ایمان بدان واجب است همان کتابی است که خداوند متعال بر داوود علیه السلام نازل فرموده و نه تحریفاتی که توسط یهود در آن به عمل آمده است.

با این وجود این تحریف و تبدیل لزوماً شامل کل و تمام کتابشان نیست، و چه بسا مسائلی در کتابهایشان باشد که حق باشند، چنان که این کتب مشتمل بر بعضی از اسماء الهی اند، لذا نمی توان گفت که کل تورات یا کل انجیل و یا کل زبور تحریف شده و نوشته دست انسان است.

برخورد اعتقادی در برابر کتب تحریف شده:

۱- آنچه را که یقیناً بدانیم خداوند متعال نازل فرموده و تحریف و تبدیل بر آن وارد نشده، آن را تصدیق می کنیم، مثلاً آنچه را قرآن یا سنت صحیح نبوی تصدیق کرده باشد، ما هم یقینی آن را تصدیق خواهیم کرد، زیرا الله و رسول آن را ذکر کرده اند. به طور مثال: الله تعالی می فرماید: «أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى * وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى * أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى * وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى * وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى * ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى» (سوره نجم ۳۶-۴۱). یعنی: «آیا از آنچه در کتب موسی نازل گردیده با خبر نشده است؟! و در کتب ابراهیم، همان کسی که وظیفه خود را بطور کامل ادا کرد، که: هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی گیرد، و این که برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست، و این که تلاش او به زودی دیده می شود، سپس به او جزای کافی داده خواهد شد».

و می فرماید: «بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى * إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى * صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى» (سوره اعلیٰ ۱۶-۱۹). یعنی: «ولی شما زندگی دنیا را مقدم می دارید، در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است! این دستورها در کتب آسمانی پیشین (نیز) آمده است، در کتب ابراهیم و موسی».

و یا می فرماید: «كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلاَّبًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (سوره آل عمران ۹۳).

یعنی : « همه غذاها (ی پاک) بر بنی اسرائیل حلال بود، جز آنچه اسرائیل (یعقوب)، پیش از نزول تورات، بر خود تحریم کرده بود؛ بگو: «اگر راست می‌گویند تورات را بیابورید و بخوانید».

پس به عنوان مثال : ما ایمان داریم که در تورات همه نوع انواع طعام حلال بود و آنچه بر بنی اسرائیل حرام شد به سبب گناہانی بود که مرتکب شدند و الله متعال ذکر کردند که حکم رجم در تورات است، می فرماید : « وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ » (سوره مائده ۴۳). یعنی : «چگونه تو را به داوری می‌خوانند، در حالی که تورات دارند و حکم خدا در آن (به خصوص درباره زنا به روشنی) آمده است؟».

۲- آنچه را بدانیم تحریف شده هستند تکذیب می کنیم، مثلاً مواردی را که قرآن یا سنت تکذیب کرده باشند، ما هم بطور یقینی آنها را مردود دانسته و تکذیب می کنیم.

۳- آن مواردی را که قرآن یا سنت نه تصدیق کرده باشد و نه تکذیب، ما نیز سکوت می کنیم؛ یعنی نه تصدیق می کنیم و نه تکذیب، چرا که احتمال صدق و کذب آن می رود، مگر آن که دلایل واقعی دلالت بر تصدیق یا تکذیب آن کنند، که ما نیز در تصدیق و تکذیب تابع آن دلایل خواهیم بود، مثلاً مخالف با آیات قرآن باشند، که اگر از آیات احکام باشد می تواند دلیل بر نسخ آن توسط آیات قرآن باشد یا شاید محرف باشد، و اگر مربوط به احکام نباشد قطعاً دلالت بر تحریف شدن آن است، زیرا کتابهای الله تعالی تصدیق کننده همدیگرند و بین آنها تناقض و تعارضی نیست همانگونه که الله تعالی در قرآن می فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ» (مائده ۴۸). یعنی : «و (این) کتاب را به راستی تصدیق کننده کتابی که پیش از آن است و بر آن حاکم و شاهد است بر تو نازل کردیم».

و در مورد انجیل می فرماید: «وَأَتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ» (سوره مائده ۴۶). یعنی : «و ما انجیل را که در آن هدایت و نور است و تصدیق کننده تورات است فرو فرستادیم».

و ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده : «كَانَ أَهْلُ الْكِتَابِ يَفْرَعُونَ التَّوْرَةَ بِالْعِبْرَانِيَّةِ، وَيُفَسِّرُونَهَا بِالْعَرَبِيَّةِ لِأَهْلِ الْإِسْلَامِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : «لَا تُصَدِّقُوا أَهْلَ الْكِتَابِ، وَلَا تُكْذِبُوهُمْ وَقُولُوا : (أَمْنَا بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا)» الْآيَةَ.» (بخاری: ۴۴۸۵)

یعنی : اهل کتاب، تورات را به زبان عبری می‌خوانند و آن را به زبان عربی برای مسلمانان، تفسیر می‌کردند. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «اهل کتاب را نه تصدیق کنید و نه تکذیب. بلکه به آنها بگویید: «(أَمْنَا بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا)» یعنی ما به خداوند و آنچه که به سوی ما نازل کرده است، ایمان داریم».

با این توضیحات بر ما مشخص می شود که اهانت به تورات و انجیل جایز نیست، زیرا ممکن است مشتمل بر مواردی از کلام الهی باشند، چنان که مشتمل بر بعضی از اسماء و صفات الله متعال هستند.

هیتمی در کتاب «تحفة المحتاج» (۱ / ۱۷۸) می گوید : «حق آنست که : در انجیل و تورات مواردی هستند که گمان عدم تبدیل آنها می رود، زیرا با آنچه در شرع خود آموخته ایم موافقت دارد».

و خطیب شربینی نیز گفته : «استنجاء با هر چیز نامحترمی جایز است .. و قاضی (استنجاء) به وسیله ورقی از تورات و انجیل را هم جایز دانسته است، ولی این سخن او بر آن اوراقی حمل می شود که عدم تبدیل (و تحریف) آن مشخص باشد و اسم الله تعالی و مشابه آن در آن نباشد». «مغنی المحتاج» (۱/۱۶۲-۱۶۳).

و خرسی مالکی در کتاب «مختصر خلیل» (۶۳/۸) گفته : «اسماء الله و انبیاء به دلیل حرمت (نامشان) همچون مصحف قابل احترامند».

و خطاب مالکی در کتاب « مواهب الجلیل » (۲۸۷/۱) گفته : « احترام گذاشتن به اسماء الهی واجب است هر چند که در چیزهایی نوشته شده باشند که اهانت به آن واجب باشد مانند تورات و انجیل تحریف شده، که سوزاندن و نابودکردنشان جایز است، ولی اهانت به آنها به دلیل وجود آن اسماء جایز نیست».

و در کتاب دائرة المعارف فقهی آمده : «جمهور فقهاء لمس تورات و انجیل بدون طهارت را جایز دانسته اند.. به جز این که امام ابو حنیفه (رح) گفتند : مکروه است زن حائض یا انسان جنب تورات و انجیل و زبور را قرائت کند، زیرا تمام آنها کلام الله تعالی هستند مگر آنچه (در آنها) تحریف شده، و آنچه تحریف شده اند نا معین هستند..» «الموسوعة الفقهية» (۲۸۲/۳۷). مراجعه نماید: تبیین الحقائق (۱ / ۵۷) و «رد المحتار علی الدر المختار» (۱ / ۱۹۵)، و (الفتاوی الهندیة (۱ / ۳۹).

و باز در همین کتاب آمده : «فقهاء اتفاق نظر دارند که استنجاء به وسیله اشیا محترم مانند کتابهایی که ذکر الله متعال در آنها هست مانند حدیث و فقه به دلیل حرمت حروف جایز نیست..

اما درباره کتابهای که احترامی ندارند اختلاف نظر دارند؛ کتابهایی مانند کتب سحر و فلسفه و تورات و انجیلی که تحریف آن مشخص باشد :

مالکی ها گفتند : استنجاء با این کتب به دلیل حرمت حروف (یعنی شرفشان) جایز نیست. ابراهیم اللقانی گفته : اگر این حروف با عربی نوشته باشند حرمت دارند، وگرنه حرمتی نخواهند داشت مگر آن که آنچه نوشته شده باشد از اسماء الله تعالی باشد، ولی علی اجهوری گفته : چه با عربی مکتوب باشند یا غیر عربی، در هر دو حالت حرمت دارند.. و شافعی گفتند : استنجاء به وسیله اشیا نامحترم از قبیل کتب فلسفه، و همچنین تورات و انجیلی که تحریف آن دانسته شود و از اسم معظم (الله) خالی باشد، جایز است.

و ابن عابدین از فقهای حنفیه گفته : نزد ما اینگونه نقل شده که حروف (قرآن) حرمت دارند حتی اگر مقطعه باشند، و بعضی از قاریان ذکر کردند که حروف هجاء قرآن بر هود علیه السلام نازل شده اند، و مفاد (این سخن) آنست که آنچه (از این حروف بر چیزی) مکتوب باشد مطلقاً حرمت دارد..» (الموسوعة الفقهية (۱۸۱/۳۴).

(تفصیل موضوع را در حاشیه ابن عابدین (۱ / ۲۲۷)، و حاشیه الدسوقی (۱ / ۱۱۳)، و مواهب الجلیل (۱ / ۲۸۷)، و نهایت المحتاج (۱ / ۱۳۲)، و کشاف القناع (۱ / ۶۹)، و المغنی (۱ / ۱۵۸). مطالعه فرمائید.

و از شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمة الله درباره مردی سؤال شد که یهود را لعن می کند و دینش را نیز لعن می کند و تورات را دشنام دهد، آیا برای یک مسلمان جایز است که کتاب آنها را دشنام دهد؟

جواب فرمودند : «برای کسی روا نیست تورات را لعن کند؛ بلکه هرکس تورات را علی الاطلاق لعن کند از او طلب توبه می شود، اگر توبه نکرد کشته می شود. و اگر بر چیزی (از آن کتاب لعن کند) که مشخص شود از جانب الله متعال نازل شده و ایمان به آن واجب است؛ در اینحالت به خاطر دشنام دادنش کشته می شود و حتی بر طبق صحیح ترین قول علماء توبه او پذیرفته نخواهد شد.

و اما اگر دین یهود را لعن کند، یعنی آن دینی که آنها در این زمان بر آن هستند؛ ایرادی بر آن نیست، زیرا یهود و دینشان ملعون هستند، و همچنین اگر توراتی که نزد آنهاست را دشنام دهد، به گونه ایکه مشخص کند که قصد وی ذکر تحریف آن است، مثلاً بگوید : این تورات تحریف شده نسخ شده است و عمل به محتوای آن جایز نیست، و هرکس امروزه به شریعت تحریف شده و منسوخ آنها عمل کند کافر است؛ این سخن و امثال اینها حق است و چیزی بر گوینده اش نخواهد بود. (مجموع الفتاوی (۲۰۰/۳۵).

خلاصه این که:

اهانت و دشنام و بی حرمتی به انجیل و توراتی که امروزه در دست اهل کتاب است، جایز نمی باشد، زیرا این کتابها شامل حق و باطل اند، و نیز مشتمل بر اسماء و صفات الهی، و لذا برای حفظ حرمت این موارد جایز نیست که مثلاً انجیل یا تورات را بر زمین بزند.

با این وجود شایسته مسلمان نیست که بخواهد یکی از این کتابهای تحریف شده را تهیه کرده و بخواند، مگر برای کسانی از اهل علم که قصد استخراج اکاذیب و ردود بر آن را داشته باشند.

پس هرگاه یکی از این کتابها به دست ما افتاد، محافظت و نگهداری از آن جایز نیست، همانطور که اهانت کردن به آن مثلاً با انداختن در سطل کثافات جایز نیست، ولی باید از طریق سوزاندنش از آن خلاص شد، زیرا مشتمل بر اسماء الهی است و ممکن است در بردارنده مطالبی باشند که از تحریف در امان مانده باشند.

و این که می گوئیم سوزانده شود، این بی ادبی و اهانت به آن نیست؛ زیرا ثابت شده که صحابه برای آن که از اهانت به اوراق مصحف ممانعت کرده باشند، آن را سوزاندند تا اثری از آن نماند که قابل اهانت باشد.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست مطالب:

معلومات مؤجز

اسباب نزول

ترجمه مختصر

محتوا کلی این سوره

تفسیر مختصر

موضوعات و مضامین صحف ابراهیمی

موضوعات و مضامین صحف حضرت موسی

حکم ایمان داشتن به کتب آسمانی

دلیل واجب بودن ایمان به کتب آسمانی

نکاتی ضروری و دانستنی

حکم احترام به کتاب های آسمانی

برخورد اعتقادی در برابر کتب تحریف شده

منابع و مأخذ عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تالیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از

عبد الکریم ارشد فاریابی

- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی

- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی

- تفسیر طبری - امام المفسرین

- تفسیر المیزان

- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال ۷۷۴ هـ)
- امام سیوطی کتاب « اسباب النزول »
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن مهندس حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مولف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن/ سید قطب (متوفی سال ۱۳۸۷ هـ)
- تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرم دل
- تفسیر کابلی (تألیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیأتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری